

آسیب شناسی فرهنگ سیاسی عاشورا

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران ۸۱-۴۹۸۶۶

سرشناسه : جعفر پیشه فرد، مصطفی عنوان و نام پدید آور : آسیب شناسی فرهنگ سیاسی عاشورا / جعفر پیشه فرد، مصطفی منشا مقاله : ، حکومت اسلامی ، ش ۲۷، (بهار ۱۳۸۲):
ص ۲۳۵ - ۲۶۷.

توصیفگر : قیام عاشورا

توصیفگر : آداب و رسوم مذهبی توصیفگر : فرهنگ اسلامی توصیفگر : سوگواریها

توصیفگر : اهل بیت ع

توصیفگر : مرثیه خوانی توصیفگر : زیارت توصیفگر : تحریف توصیفگر : ارزشهای

اخلاقی توصیفگر : حکومت اسلامی توصیفگر : حسین بن علی ع ، امام سوم

پیشگفتار

عاشورا، فرهنگی به جامعیت اسلام دارد و ابعاد گوناگون فردی - اجتماعی و معنوی - سیاسی که در کلیت اسلام شاهدیم، در فرهنگ عاشورا نیز متجلی است. غفلت از ابعاد چند وجهی این فرهنگ، خسارات جبران ناپذیری به بار می آورد. چند وجهی فرهنگ عاشورا است که در بحث آسیب شناسی آن مورد توجه جدی است. عاشورا تبلور سیاست دینی است و این کلیت و این ترکیب، در بحث آسیب شناسی باید مورد بررسی قرار گیرد. تحلیل و شناسایی آسیب های این فرهنگ، در گرو شناخت چگونگی معماری و شناخت معماران این بنای عظیم است. از این رو نویسنده، به عنوان مقدمه، بخشی مختصر درباره معماری فرهنگ عاشورا ارائه کرده، آنگاه به بررسی بیشتر آسیب شناسی آن پرداخته است. این بخش مقاله، به این پرسش پاسخ می دهد که نخستین معماران فرهنگ

عاشورا چه کسانی بوده‌اند؟ مراسم و آیین عزاداری توسط چه کسانی و از چه زمانی رایج شده است؟ در این بخش مقدماتی با ارائه کلیات و رؤوس مطالب، مشخص می‌گردد که معماری فرهنگ عاشورا مربوط به عصر اهل بیت (ع) است و آیین سوگواری عاشورا نیز برگرفته از آموزه‌های ایشان است. این بخش دو قسمت دارد: الف) نقش اسیران کربلا در معماری فرهنگ عاشورا. ب) نقش امامان معصوم (ع) در معماری فرهنگ عاشورا. بخش دوم مقاله که پیکره اصلی آن را تشکیل می‌دهد، به موضوع آسیب شناسی فرهنگ عاشورا و بررسی برخی نقطه ضعفها و پاره‌ای آفت‌ها می‌پردازد؛ ضمن آنکه به شیوه درمان نیز اشاره می‌کند، تا نقش سازنده و منزلت رفیع این فرهنگ در ساختار سیاسی اجتماعی جامعه مشخص گردد. این بخش، خود از دو قسمت تشکیل می‌شود: بایسته‌ها و نبایسته‌های فرهنگ عاشورا. در قسمت نخست، سه عنوان کلی مورد توجه است: ۱. ارتکاب گناه و تخلف از شرع ۲. سست کردن پایه‌های دین و مذهب ۳. تحریف لفظی و معنوی عاشورا. طی این سه عنوان مشخص می‌شود که رعایت نکردن هر یک از اینها و انجام کارهایی که تحریف عاشورا است یا موجب تحریف عاشورا می‌گردد، خطر بزرگی است که موجب کم رنگ و یا بی‌اثر شدن این فرهنگ سازنده می‌شود. در قسمت دوم نیز اهداف عاشورا، در سه بعد طبقه بندی می‌شود: ۱. احیای ارزشهای انسانی، ۲. احیای ارزشهای اسلامی (بطور عام)، ۳. احیای ارزشهای عرفانی. عاشورا، این سه را، یک‌جا، به نحو بسیط و یگانه در خود داشت و عزاداران و سوگواران امام حسین (ع)، باید این اهداف را دقیقاً بشناسند، و هر کجا کم توجهی و غفلی مشاهده می‌شود، نسبت به ترمیم آن حساس باشند. به اعتقاد نویسنده توجه به این بایسته‌ها، و پرهیز از آن نبایسته‌ها، موجب می‌شود، فرهنگ عاشورا، این سرمایه بزرگ اسلامی، انسانی، در جایگاه واقعی اجتماعی خود قرار گیرد و تمامی ابعاد سیاست‌های کلان اجتماعی را متأثر از خود گرداند.

معماری فرهنگ عاشورا

اشاره

ابن قیس تمیمی حکایت کند: هر چیزی را فراموش کنم، سخن زینب(س) دخت فاطمه(س) را هنگام مرور بر جسم چاک چاک برادرش حسین(ع)، وقت رفتن به کوفه فراموش نمی‌کنم که می‌گفت: «یا محمداه، یا محمداه، صلی علیک ملائکه السماء هذا الحسین بالعرء مرمل بالدماء مقطّع الاعضاء، یا محمداه و بناتک سبایا، و ذریّتک مقتله، تسفی علیها الصبا.» زینب، با این سخنان دوست و دشمن را به گریستن واداشت. «ای جدّم، ای رسول خدا، درود فرشتگان آسمان بر تو باد، این پیکر قطعه قطعه و غلطیده در خون حسین توست. یا رسول الله، دخترانت اسیر و جگر گوشه گانت کشته و نسیم مشرق بر جسم چاک چاک آنان در بیابان می‌وزد.» زخم از ستاره بر تنش افزون حسین تُست دود از زمین رسانده به گردون حسین تُست این ماهی فتاده به دریای خون که هست وین صید دست و پازده در خون حسین تُست این نخل تر کز آتش جان سوز تشنگی رو در مدینه کرد یا ایها الرسول این کشته فتاده به هامون حسین تُست پس با زبان پر گله آن بضعه الرسولبا این سخنان سراسر آه و سوز زینب سلام الله علیها که در آغاز سفر اسارت به کوفه و شام بیان شد، فصلی جدید از حادثه خونبار کربلا رقم خورد. اکنون عاشورا پایان یافته بود و وظیفه پیام‌آوران عاشورا، اسیران دشت کربلا، به ویژه زینب(س) صیانت از آن بود. پیام شهیدان طفّ برای ابدیت تاریخ بشری باید حفظ می‌شد. عاشورا حادثه‌ای ساده و گذرا نبود، عاشورا برای جاودانگی وحی و اسلام و حفاظت از پیام آسمانی پیامبر خاتم(ص) پدید آمده بود. «حسین منّی و انا من حسین» و برای تحقق دقیق و کامل این رسالت عظیم چاره‌ای جز تبدیل عاشورا به یک فرهنگ و مکتب نبود، فرهنگی که تا اعماق زندگی فردی و اجتماعی انسانها تا ابد نفوذ کند و مکتبی که درس‌های دین خاتم را برای سعادت جاودانه، به گوش تمامی انسانهای عاشق حقّ و شیفته انسانیت و عدالت

و توحید و آزادگی برساند و بیاموزند که: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا.» رسالت شاهدان مصیبت عظمای طف، از حضرت زینب و امام سجاد تا امامان معصوم دیگر علیهم السلام آن بود که اولاً عاشورا به فراموشی سپرده نشود، ثانیاً از خطر تحریف مصون بماند و نگذارند دست تحریف گران بر دامان پاک آن رسد. در این صورت بود که می توانست شعارها و اهداف عاشورا تا ابد چراغی فراروی خیل عظیم مشتاقان حق و عدالت قرار گیرد. البته عظمت مصیبت و ژرفای رزیه کربلا، (مصیبه ما اعظمها و اعظم رزیتها فی الاسلام و فی جمیع السماوات و الارض) به حدی بود که در اوان پیدایش آن، هر احساسی را جریحه دار می کرد و دوست و دشمن را به تفکر و اندیشه وامی داشت و از این رو از نخستین روزهای مصیبت کربلا، قیامهای مختلف شکل می گیرد و از همین جهت است که عده ای از بزرگان و خواص اسلامی و پاره ای از صحابه پیامبر را وادار به روشنگری و عکس العمل و دفاع از سیره و روش حسین بن علی (ع) و زنده نگه داشتن یاد و نام او می کند. مثلاً در مجلس ابن زیاد، هنگامی که زید بن ارقم، جسارت عبیدالله را بر لب و دندان رأس بریده سیدالشهدا، مشاهده کرد، تاب نیاورده و شجاعانه به ابن زیاد عتاب می کند: امیر سرکش و مغرور کوفه، «اعل هذا التقضیب عن هاتین الشفتین، فوالذی لا اله غیره لقد رأیت شفتی رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم علی هاتین الشفتین یقبلهما؛ چوب دستی ات را از این دندانها دور کن، قسم به پروردگاری که جز او خدایی نیست، با چشمان خود، لبان رسول الله (ص) را بر این لب دیدم که بر آنها بوسه می زد.» زید بن ارقم این سخن را گفت و با گریه مجلس را ترک کرد و به آنان که بیرون مجلس، گرد آمده بودند اعلام کرد: «انتم یا معشر العرب العبید بعد الیوم، قتلتم ابن فاطمه و امرتم ابن مرجانه فهو یقتل خیارکم و یستعبد شرارکم، فرضیتم بالذل، فبعداً لمن رضی بالذل؛ شما ای گروه عرب، پس از امروز بندگانیش نخواهید بود. فرزند فاطمه را کشتید و فرزند مرجانه را امیر خود ساختید تا خوبانتان را به قتل رساند و بدانتان را به بندگی کشاند و بدین سان به ذلت راضی شدید، وای بر آنان که تن به ذلت دهند.» با این جملات، زید

بن ارقم با شیوایی و رسایی کامل به پیام عزت بخش و غرور آفرین عاشورا اشاره کرد. نمونه دیگر در مسیر زنده نگه داشتن نام کربلا و اباعبدالله (ع)، زیارت اربعین جابر بن عبدالله انصاری، صحابی بزرگوار پیامبر اکرم (ص) است. عطیة بن سعد بن جناده (م ۱۱۱ هـ ق) که همراه جابر بوده، گوید: «جابر غسل کرد و خود را شبیه مُحَرَّمان ساخت و به سعد خوشبو کرد و چون نابینا بود دستش را گرفته و به قبر مطهر رسانیدم، پس بیهوش شد، آب بر او پاشیدم، به حال آمد و با سوز دل سخنانی جگر سوز به آن حضرت عرض کرد و آنگاه بر شهدا سلام کرد و گفت: ما نیز در ثواب این فیض بزرگ و جهاد و شهادتی که نصیب شما گشت، شریک می‌باشیم. چرا که نیت من و اصحابم، همان نیت حسین (ع) و اصحاب اوست و از پیامبر اکرم (ص) شنیدم که: هر کس عمل قومی را دوست دارد، با ایشان در ثواب آن عمل شریک باشد.» اینها نمونه‌هایی از تلاش‌های مقدسی است که برای حفظ عاشورا و انتقال پیام آن به جامعه اسلامی آن روز صورت گرفت. ولی از آنجا که حوادث هر چه قدر بزرگ باشند، گذر زمان یا موجب فراموشی آنها می‌شود و یا لا اقل مانع انتقال اهداف و پیام واقعی آنها به نسل‌های بعدی می‌گردد، برای صیانت از عاشورا و اهداف بلند آن، نقش اصلی و اساسی بر دوش خود اهل بیت (ع) بود. از میان اهل بیت (ع)، در مرحله نخست این نقش بر دوش حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) و دیگر اسیران کربلا، که خود شاهد آن صحنه‌های دلخراش بودند و با تمام وجود آن مصیبت عظمی را به جان خریدند و تحمل کرده بودند، واگذار شده بود که با سخنان آتشین و غرور آفرین خود در ایام اسارت و استفاده از فرصت‌های مهمی که در مجلس ابن زیاد و یزید و در کوفه و شام و پس از ایام اسارت به دست می‌آمد، مانع از فراموشی خاطره سیدالشهدا (ع) و اهداف او شوند. زینب (س) که با آن همه داغ و مصیبت، در مجلس ابن زیاد با دنیایی از ابهت و بزرگی حاضر شد، سه بار، امیر مغرور کوفه خواستار معرفی او شد ولی پاسخی نشنید، سرانجام یکی از کنیزان، او را معرفی کرد، ابن زیاد رو کرد به زینب و گفت: «سپاس خدایی را که رسوایتان گردانید

و شما را به قتل رسانید و دروغتان را آشکار گردانید.» این سخنان نه تنها حکایت از عمق کینه امویان با خاندان وحی داشت، که حقد آنان را نسبت به پیام آسمانی و رهایی بخش آنان نیز آشکار می ساخت. اما زینب در پاسخ فرمود: «الحمد لله الذی اکرمنا بمحمد صلی الله علیه و اله و سلم و طهرنا تطهیرا، لا کما تقول انت، انما یفتضح الفاسق و یکذب الفاجر؛ سپاس پروردگاری را که با پیامبر خاتم (ص) اکرامان نمود و ما را پاکیزه و طاهر گردانید؛ آن چنان که تو می گویی نیست. همانا این فاسق است که رسوا می گردد و انسان فاجر است که دروغش آشکار می شود.» این سخنان و گفت و گو و اتفاقات که خوشبختانه همگی در سینه تاریخ ثبت است، به خوبی نشان می دهد که چگونه با درایت و درک درست شرایط، خاندان امام حسین (ع) از زمینه های به دست آمده، بهره می جستند برای آنکه، پیام شهیدان کربلا را به جامعه غفلت زده و خواب آلود توسط بنی امیه برسانند و با عاشورا، یک فرهنگ پدید آورند؛ فرهنگی مبتنی بر آموزه های دقیق و حیانی که در عترت طاهره (ع) به ودیعت گذارده شده بود.

نقش امامان معصوم در معماری فرهنگ عاشورا

پس از شاهدان حاضر در صحنه کربلا، نوبت به دیگر امامان معصوم (ع) می رسد تا این فرهنگ را عمق بخشند و بنیان آن را هر چقدر رفیع تر گردانند. در این ارتباط، به پاره ای از مقولات و مفاهیم کلیدی می توان اشاره داشت. و تفصیل آن را به مقاله ای مستقل ارجاع می دهیم که در همین شماره ویژه نامه آمده است.

گریستن و گریانیدن

گریستن در مصیبت سیدالشهدا، به عنوان عبادتی ارزشمند که موجب تقرب الی الله می شود، مورد تأکید، عترت طاهره (ع) بوده است. امام هشتم به ریّان بن شیب فرمود: «یا ابن الشیب ان کنت باکیاً لشیء فابک للحسین بن علی بن ابی طالب؛ اگر بر چیزی

می‌گیری، بر حسین مویه کن.» در همین باب علامه مجلسی (ره) در بحار الانوار، با نام «ثواب البكاء علی مصیبتہ و...» سی و هشت روایت در فضیلت گریه بر سیدالشهدا و سایر ائمه گزارش کرده است.

مرثیه سرایی

از ابزارهای مهم برای جاودانه کردن حوادث تاریخی، استفاده از هنر، از جمله شعر است. امامان معصوم (ع) در این ارتباط تأکید فراوانی داشتند و شاعران مرثیه‌سرای سالار شهیدان را تشویق و مورد تفقد قرار می‌دادند، از آنان می‌خواستند سروده‌های خود را در حضور ایشان بخوانند و به آنان ارزش والای به کارگیری این هنر را در رثای سید شهیدان (ع) یادآور می‌شوند. زید شحام گوید: با گروهی از کوفیان در حضور امام صادق (ع) بودیم که جعفر بن عفان وارد شد، امام، او را فرا خواند و نزد خویش جای داد، آنگاه به او فرمود: شنیده‌ام در رثای امام حسین (ع) مرثیه‌سرایی می‌کنی؟ گفت: آری. فرمود: بخوان. جعفر شروع به خواندن مرثیه خود کرد و امام و تمامی اطرافیان شروع بر گریستن کردند تا اینکه قطرات اشک بر سیما و محاسن حضرت نشست. آنگاه خطاب به جعفر فرمود: فرشتگان مقرب الهی، سروده تو را شنیدند و آنان نیز مویه کردند. و در پایان فرمود: «ما من احد قال فی الحسین شعراً فبکی و ابکی به الا اوجب الله له الجنة و غفر له؛ کسی که در رثای حسین شعری می‌گوید پس گریه نمی‌کند یا نمی‌گریاند مگر آنکه خداوند بهشت را برای او مقرر می‌کند و او را می‌بخشاید.»

زیارت و یاد امام حسین در هر حال

از مهمترین عوامل تبدیل عاشورا به یک فرهنگ و اندیشه و تداوم آموزه‌های آن، تأکید فراوان ائمه اطهار (ع) بر زیارت کربلا بوده است. در طول سال کمتر زمان مهمی را می‌توان سراغ گرفت که زیارت کربلا از جمله اعمال و آداب آن نباشد. شبهای قدر،

شبهای عید فطر و قربان، عرفه، نیمه شعبان، اربعین، عاشورا، و حتی هر شب و روز جمعه، زیارت امام حسین (ع) مورد تأکید قرار گرفته است. در وسائل الشیعه، بابی وجود دارد با نام «باب تأکد استحباب زیارة الحسین بن علی (ع) و وجوبها کفایة». در این باب چهل و هشت روایت گزارش شده است. و در باب پس از آن، «باب کراهة ترک زیارة الحسین (ع)» بیست و یک روایت نقل شده است. محمد بن مسلم از امام باقر (ع) روایت کرده است: «مروا شیعتنا بزیارة قبر الحسین (ع) فان اتیانه یزید فی الرزق و یمد فی العمر و یدفع مدافع السوء، و اتیانه مفترض علی کل مؤمن یقر له بالامامة من الله؛ شیعیانمان را به زیارت مرقد حسین (ع) امر کنید، همانا آمدن به زیارت او، روزی را افزون، عمر را طولانی و روزنه بدیها را می بندد و آمدن به زیارت او بر هر مؤمنی که به امامت الهی او اقرار دارد، واجب است.» استحباب زیارت امام حسین (ع) حتی از مکانهای دور برای زنان، تکرار این زیارت به قدر امکان، پیاده روی به سوی کربلا و زیارت امام حسین (ع)، زیارت به نیابت از دیگران، عناوینی است که در روایات مورد تأکید و اهتمام فراوان است. حتی زیارت امام حسین (ع) در حال خوف مستحب است. سلام گفتن بر آن امام شهید نزدیک و دور ندارد، از مکان دور نیز زیارت و سلام بر آن حضرت استحباب دارد. امام صادق (ع) به سدید فرمود: بر بام خانهات رو، به جانب راست و چپ رو کن، سپس بر آسمان نظر افکن، آنگاه رو به جانب کربلا کن و بگو: «السلام علیک یا ابا عبد الله، السلام علیک و رحمة الله و برکاته. این کار تو ارزش یک حج و عمره دارد.» برای زنده نگاه داشتن یاد امام حسین (ع) از جمله مستحبات، ذکر نام ایشان و لعن بر قاتلان او پس از نوشیدن آب است، چنانکه امام صادق (ع) به داود رقی فرمود.

تربت و حائر حسینی

خاک کربلا و حائر حسینی (ع) جایگاهی ویژه در معارف اهل بیت (ع) دارد. اهانت به تربت ابا عبد الله (ع) حرام است. در آغاز زندگی، بر اساس روایات مأثوره از امامان

معصوم (ع) کام نوزادان با تربت سیدالشهدا برداشته می‌شود. حسین بن ابی‌العلاء گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود: «حنکوا اولادکم بتربه الحسین (ع) فانها امان؛ کام فرزندانان را با تربت حسین (ع) بردارید، همانا، آن امان است.» در وسایل‌الشیعه بابی مطرح است تحت عنوان: «باب استجاب استشفاء بتربه الحسین (ع) و التبرک بها و تقبیلها و تحنیک الاولاد و استجابها عند الخوف و عند المرض.» بر اساس روایات و فتوای فقها، سجده بر تربت امام حسین (ع) افضل از سجده بر هر چیز دیگر است، چون حجابهای هفتگانه را می‌درد. مستحب است از تربت سیدالشهداء تسبیح تهیه شود و همواره همراه او باشد، هر چند با آن تسبیح نگوید، تسبیح محسوب می‌گردد. همراهی با تربت سیدالشهداء (ع) از لحظه میلاد و کام برداشتن شروع می‌گردد تا پایان حیات دنیوی و آغاز حیات اخروی تداوم می‌یابد. در وسایل‌الشیعه، شیخ حرّ عاملی، در ابواب تکفین، بابی گشوده است با نام: «باب استجاب وضع التربة الحسينية مع الميت في الحنوط و الكفن و فی القبر» و در آن به نقل روایاتی در این زمینه، می‌پردازد. اهمیت تربت کربلا و حائر حسینی در آموزه‌های اهل بیت (ع) آن‌چنان است که فرموده‌اند؛ مسافر بین قصر و تمام خواندن نماز در آن مکان مقدس مخیر است. علاوه بر این دعا خواندن زیاد و طلب حاجت در نزد قبر آن حضرت از مستحبات است. ابن‌فهد حلی فرموده، روایت است که خداوند در مقابل شهادت امام حسین (ع) چهار خصلت به او عطا فرموده است: «جعل الشفا فی تربته و اجابة الدعاء تحت قبته و الائمة من ذریته و ان لا تعد ایام زائریه من اعمارهم؛ شفای از بیماری‌ها و معالجه دردها با تربت سیدالشهدا، مستجاب شدن دعا در زیر قبّه حسینی، امامان معصوم از ذریه او بودن و محسوب نشدن ایام زیارت کربلا از عمر زائر.» آنچه گذشت، گزارشی بسیار فشرده و مختصر از جایگاه سیدالشهدا، کربلا و عاشورا در معارف اسلامی و آموزه‌های اهل بیت (ع) بود، برای نشان دادن این حقیقت که؛ اگر چه عاشورا یک صبح تا شب بیشتر نبود و چند ساعتی به پایان رسید ولی تأسیس فرهنگ عاشورا و مکتب عزاداری ده‌ها سال به طول انجامیده است، اگر یک امام معصوم

به همراه اصحاب و یاران و خاندان خویش عاشورا آفرید، نه امام معصوم دیگر، در حراست و حفاظت از آن و رساندن پیام واقعی و اصیل آن به مسلمانان بلکه همه جهانیان در تمامی گستره تاریخ تا ظهور دولت عدل جهانی امام منتظر (عج) به تلاش همه جانبه برخاستند و با این تلاش سرمایه‌ای جاویدان و گرانبها را برای حق جویان پدید آوردند.

آسیب شناسی فرهنگ سیاسی عاشورا

پس از آفرینش عاشورا توسط شهیدان کربلا و تبدیل آن به یک فرهنگ توسط اهل بیت (ع) این فرهنگ عظیم انسانی و این درخت برومند که سایه‌های آن نه تنها بر زندگی شیعیان و مسلمانان، بلکه بر آفاق حیات بشریت سایه خود را گسترانیده است و چهره‌های بزرگ ظلم‌ستیزی چون گاندی را به تواضع در برابر آن واداشته است، نیازمند صیانت و حفاظت بوده و هست؛ صیانت در برابر امواج بنیان کن جهالتها و عداوتها، حفاظت از آسیب‌های دوستان نادان و دشمنان دانا، تلاش و مجاهدت در برابر فراموشی عاشورا یا اهداف آن، مقاومت در برابر تحریفات گوناگون لفظی و معنوی. اکنون سؤالات مهمی در ارتباط با پاسداری از فرهنگ عاشورا مطرح است. اولاً، این مسئولیت سنگین بر دوش چه کسی نهاده شده است؟ چه فرد یا گروهی وظیفه حراست از عاشورا و آرمانهای بلند آن را دارد؟ ثانیاً، حراست و پاسداری چگونه انجام می‌شود و شیوه آن چیست؟ در باره سؤال اول آنچه پیش از هر چیز به ذهن خطور می‌کند، آنکه، تنها عاشورا شناسانند که توانایی حراست از آن را دارند، آن کس که با عاشورا بیگانه است، اهداف و آرمانهای آن را نمی‌شناسد و یا به آن ایمان ندارد، چگونه می‌تواند پاسدار عاشورا باشد؟ کسانی که با شناختی عمیق و ایمانی محکم، دل در گرو عاشورا و عاشورائیان دارند و از صمیم جان با آهنگ «یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً» مترنمند، وظیفه حفاظت و پاسداری را بردوش دارند. پس این مسئولیت بزرگ بر دوش عموم شیعیان، به ویژه عالمان دینی سنگینی می‌کند که نخست عاشورا را هر چه بیشتر و عمیقتر بشناسند،

آنگاه به پاسداری از آن همت گمارند. اما در باره پرسش دوم و چگونگی پاسداری از عاشورا، درجات و مراتب مختلفی را می‌توان در نظر گرفت؛ در درجه اول نکوداشت نام عاشورا و بزرگداشت شهیدان نینوا، وظیفه‌ای مهم و سنگین است. این مسئولیتی است که در توان توده مردم می‌باشد. اقامه مراسم عزا و برپایی خیمه‌های عزاداری سالار شهیدان به راه انداختن دسته‌جات و هیئات و غیره، می‌تواند شکل‌های مختلفی از این مهم باشد و هر کدام به نوبه خود لازم و ضروری است و نشانه‌ای از تقوا و تعظیم شعائر الهی و عبادتی بزرگ است که از افضل قربات الی‌الله شمرده می‌شود: «و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب» (حج/۳۲). در طول تاریخ این مجالس و محافل حسینی دشمنان فراوانی داشته است، یکی از آخرین آنها، تلاش‌های شیطانی رضاخان پهلوی در برچیدن مراسم عاشورا و محرم و جلوگیری از مجالس روضه‌خوانی و تشکیل هیئات بود که در این تلاش ناکام ماند و طولی نکشید که در سراسر ایران اسلامی، حتی در مناطق سنی‌نشین، مراسم سوگواری خامس آل‌عبا(ع) به شکلی با شکوه‌تر و گسترده‌تر، اقامه شد، بنابراین تضعیف مراسم سوگواری و عزاداری حسینی(ع) به هیچ وجه جایز نیست. البته اکنون دشمن به خوبی واقف است که فرهنگ عاشورا سدی محکم و بنیادین در مسیر مطامع نامشروع وی است. و مانع از پیمال کردن منافع مادی و سرزمین و اقلیمی و فرهنگ و تفکر مسلمانان می‌شود، بسیاری از حرکت‌های ضد استکباری و استبدادی که در میان ملت‌های مختلف به ویژه، ایران و لبنان و فلسطین رخ نموده، دقیقاً متأثر از عاشورا و آرمان‌های کربلاست و چنانکه در پاره‌ای از کنفرانسها نیز رسماً اعلام شده، دشمن در فکر شکستن این بنیان مستحکم است اما از آنجا که فرهنگ عزاداری و بزرگداشت عاشورا، در اعماق جان آحاد مردم رسوخ کرده است و دشمن امید چندانی در خاموش کردن این چراغ ندارد، راه کار اصلی و راهبرد اساسی او ضربه به اهداف اصلی فرهنگ عاشورا است، اینجاست که بحث حراست و آسیب‌شناسی دقیق فرهنگ عاشورا و شناخت عمیق بایدها و نبایدهای مراسم نکوداشت کربلائیان ضرورتی مضاعف

می‌یابد و البته مرحله دوم مسئولیت حفاظت و حراست از فرهنگ عاشورا، که پاسداری از اهداف و آرمانهای آن است و توده‌های مردم، به ویژه جوانان را با محتوای واقعی مصیبت نینوا آشنا می‌کند، بر دوش عالمان و فرهیختگان و پرچمداران فرهنگ اصیل جامعه است. آنانند که باید آسیب‌ها را بشناسند و جامعه را در جریان آنها قرار دهند و به شناخت و ایمان آنها از اهداف عاشورا و عوامل پیدایش مصیبت عظمای کربلا عمق بخشند. این وظیفه مهم عالمان دین است که با بدعت‌ها و انحرافات جاهلان و کوته‌فکران و تحریفات مغرضان و دشمنان به مبارزه برخیزند و درخت تناور فرهنگ عاشورا را از بیم آسیب‌ها و آفت‌ها مصونیت بخشند: «اذا اظهرت البدع فی امتی فلیظهر العالم علمه فمن لم یفعل فعلیه لعنة الله؛ آنگاه که بدعت‌ها در امت من بروز کرد، بر عالم است که علم خویش را آشکار کند. و گرنه لعنت خدا بر اوست.» به فرموده امام صادق (ع) «عالمان وارثان انبیاء هستند» پس وظیفه پاسداری از آموزه‌های اهل بیت (ع) به ویژه کربلا و عاشورا بر دوش آنان است: «فانّ فینا اهل البیت فی کلّ خلف عدولاً ینفون عنه تحریف الغالین و انتحال المبطلین و تأویل الجاهلین؛ برای ما اهل بیت در میان هر نسلی، عادلانی است که تحریف افراطیان و دروغ مبطلان و تأویل جاهلان را از او دور می‌سازند.» در میان عالمان بزرگ، همواره چهره‌هایی عالی‌قدر بوده‌اند که به این مهم همت گماشته‌اند و نگذاشته‌اند، پیرایه‌ها آسیبی جدی بر فرهنگ عاشورا وارد کند. در همین دهه‌های اخیر شخصیت‌های فرزانه‌ای همچون حاجی نوری، حاج شیخ عباس قمی، آیه‌الله بروجردی، امام خمینی، شهید مطهری و رهبر معظم انقلاب را می‌بینیم که پرچم پاسداری از فرهنگ عاشورا، را برافراشته‌اند و مسیر حرکت تکاملی عاشورائیان را هموار ساخته و عالمانه و دلسوزانه، با هشدارهای به‌موقع خود، به آسیب‌شناسی فرهنگ عاشورا پرداخته‌اند و از سر سوز با گوشزد کردن پاره‌ای از کاستی‌ها و انحرافات در مسیر عزاداری خامس آل‌عباس (ع) به آفت‌زدایی و اصلاح این شجره طیّبه همت گماشته‌اند. با الهام از آنچه آن عزیزان فرهیخته، در گفتار و نوشتار خود، یادآور شده‌اند، می‌توان بحث حفاظت و حراست و

آسیب‌شناسی فرهنگ عاشورا را در دو بخش «بایدها» و «نبایدها»ی مراسم سوگواری سالار شهیدان تنظیم کرد.

نبایسته‌های فرهنگ عاشورا

عنوان «نبایسته‌ها» طیفی از مسائل و موضوعاتی را تشکیل می‌دهد که مراسم و محافل سوگواری باید از آنها منزّه و مبرا باشند. مرزها و حدودی که باید توسط همگان از شرکت‌کنندگان و آحاد معمولی مردم تا بانیان و دست‌اندرکاران و مدیران و سخنرانان و مرثیه‌سرایان و مرثیه‌خوانان و غیره مراعات گردد و کسی اجازه تخطی از آن را به خود ندهد. این مرزها و خط‌های قرمز شرعی - عقلی، پاره‌ای جنبه عملی و رفتاری دارد و پاره‌ای از آنها بیشتر به جنبه‌های نظری و فکری ارتباط پیدا می‌کند. آنچه در پی می‌آید، گزارشی مختصر از اهمّ این مرزها است.

ارتکاب گناه و تخلف از شرع

عزاداری و سوگواری در رثای سیدالشهدا(ع) علی‌رغم پنداری که آن را به عصر صفویه نسبت می‌دهد، از ضروریات مذهب اهل بیت(ع) است. طبق روایات متواتری که در صفحات گذشته، به گوشه‌هایی از عناوین آنها اشاره شد، نکوداشت حادثه عاشورا و مصیبت کربلا، عبادتی بزرگ و به گفته امام خمینی(ره) از افضل قربات الی الله شمرده می‌شود. ولی شرط اولیّه این عبادت عظیم، پرهیز از محرّمات الهی در انجام دادن آن است. مراسم عزاداری چنانچه با کار خلاف شرع و آمیخته با گناه و ارتکاب حرام باشد، نمی‌توان برای آن چندان ارزشی قائل شد. به قول حاج میرزا حسین نوری(ره): «مستحب هر چند بسیار بزرگ باشد با حرام هر چند در نظر بسیار محقّر باشد، نتواند معارضه کند و طاعت الهی را نتوان به وسیله امری که سبب غضب و سخط اوست به جای آورد و به آن نزد خداوند تبارک و تعالی، متقرب شد بلکه مورد و محلّ تمام مستحبات آن فعلی

است که به حب ذات جایز و مباح باشد.» بر اساس مبانی دینی، هدف توجیه گر وسیله نیست و تنها با استفاده از روش‌ها و ابزارهای مجاز و مشروع است که اقامه مجالس و مراسم عزاداری عبادت شمرده می‌شود و این محافل را به اهداف والای نهضت کربلا نزدیک می‌کند. «انما يتقبل الله من المتقين.» (مائده/۲۷) آن هنگام که فرزندان آدم قربانی کردند و قربانی یکی پذیرفته و از آن دیگری مردود شد هابیل، در پاسخ قابیل که او را به کشتن تهدید کرده بود، اعلام کرد: همانا «الله» از تقوای پیشگان و پرهیزکاران می‌پذیرد. این سخنی است که در همه جا، ساری و جاری است، از جمله در مراسم حسینی و همچنان که به بازرگان گفته می‌شود: «الفقه ثم المتجر» باید تمامی دست‌اندرکاران مجالس عزاداری خامس آل عبا و حسینیه‌ها و هیأت، وظیفه خود بدانند که احکام فقهی و شرعی مربوط به این مجالس را فرا گیرند و دنبال کنند، تا مراسم آنها، دارای آثار ارزشمند معنوی باشد و بوی و عطر سیاست حسینی بگیرد. چگونه می‌توان در رثای سیدالشهداء و مصائب جانسوز او، در ماتم نشست ولی مراسم او را با ارتکاب گناه سر پا نگه داشت. در حالی که خود آن حضرت، هدف از قیام خود را با فرزدق اینگونه در میان می‌گذارد: «یا فرزدق، ان هؤلاء قوم لزموا طاعة الشيطان و ترکوا طاعة الرحمان، و اظهروا الفساد فی الارض و ابطلوا الحدود و شربوا الخمر و استأثروا فی اموال الفقراء و المساکین و انا اولی من قام بنصرة دین الله و اعزاز شرعه و الجهاد فی سبیل الله تکنون کلمة الله هی العلیا؛ امویان پیروی شیطان را برگزیده و طاعت رحمان را رها کردند. در زمین به رواج فساد پرداخته، حدود را باطل و شراب می‌نوشند و اموال فقرا و مساکین را به یغما می‌برند و من از هر کس دیگر سزاوارترم که به یاری دین و عزت بخشی شرع و جهاد در راه خدا قیام کنم تا «کلمة الله» سرفراز و برافراشته شود.» وقتی روح قیام حسینی، مبارزه با طاعت شیطان و فساد و گناه و چپاول دارائی مستمندان است، چگونه می‌تواند مجالس نکوداشت آن قیام، همراه با پیروی شیطان و تخلف از مقررات شرع و دین باشد؛ حال اگر مجالس سالار شهیدان با اموال نامشروع برپا شود، و هزینه‌های آن از طریق ربا،

اجحاف به مردم، غصب اموال دیگران، رشوه، کم کاری، تزییع حقوق، نپرداختن خمس و زکات و حقوق شرعیه، تأمین گردد، اگر از طریق یغما بردن اموال عمومی و چپاول بیت‌المال، خیمه حسینی برافراشته گردد، آیا می‌تواند وسیله تقرّب الی الله باشد؟ اگر مرثیه‌خوانان، از غنا و شیوه‌های لهوی در مراسم عزاداری بهره جویند و به اسم سبک جدید و نوآوری، به سراغ سبکهای نا مشروع بروند، چگونه می‌تواند طاعت محسوب شود؟ در حالی که به گفته شیخ انصاری (ره) ادله مشروعیت استحباب مرثیه‌سرایی و گریاندن، نمی‌تواند مجوز ارتکاب غنا و لهو باشد و در برابر محرّمات قرار گیرد. ادله مستحبات چیزی را مستحب می‌شمرد که از راه مباح و مشروع تحقق یابد و فی نفسه، محرم نباشد اما هرگاه پای گناه و خلاف شرع به میان آمد، استحباب آن کار نیز نفی خواهد شد. طبق این معیار است که بر اساس مبانی فقهی، اگر صدای بلندگوی مجالس، مزاحمت برای دیگران فراهم آورد، اگر عزاداری به گونه‌ای باشد که ضرر جسمی قابل ملاحظه‌ای برای فرد داشته باشد و اگر گویندگان و سخنرانان و مرثیه‌سرایان و خوانندگان، به جعل اکاذیب پردازند و بدون نقل از منابع معتبر تاریخی و مقتل قابل قبول، به قصه پردازی مشغول شوند و به هدف جلب مستمع و راضی نگه داشتن مخاطب و پُر کردن مجلس، و کسب درآمد و شهرت به هر شیوه و روش و سخنی متشبّث شوند، در این قبیل موارد چگونه می‌توان مشروعیت این اعمال را امضا کرد، تا چه رسد به پذیرش استحباب و مقرّب بودن آنها؟ آیا وظیفه و تکلیف شرعی گروه‌های گرداننده و برپاکننده محافل حسینی آن نیست که به متون معتبر و مستندهای صحیح مراجعه کنند، سطح معلومات و اطلاعات خود از مقاتل را بالا ببرند و با تحقیق و تتبع، به این حرفه مقدّس و ارزشمند که پاداشی جز بهشت ندارد، مشغول شوند و آن را وسیله کسب مال و آبرو قرار ندهند؟ آیا این وظیفه مدیران فرهنگی جامعه و سیاست‌گذاران کلان در این بخش نیست که با توجه به بُعد تأثیرگذاری و اهمیتی که مجالس سوگواری دارد، در جهت سامان‌دهی ناهنجاری‌هایی که ذکر شد یا وجود دارد، اقداماتی انجام دهند؟ به نظر

می‌رسد: همچنان که در سایر رشته‌های هنری و فرهنگی، دست‌اندرکاران و تولید کنندگان این آثار آموزش کافی می‌بینند، می‌توان مراکزی آموزشی فراهم آورد تا افراد دست‌اندرکار همچون شاعران و مداحان و نویسندگان و روضه‌خوانان و... به طور تخصصی اطلاعات لازم در این بخش را فرا گیرند و با استفاده از آموزش زبان عربی و تاریخ صدر اسلام و حادثه کربلا و مقتل‌های مختلف و همچنین احکام فقهی مرتبط با عزاداری و احادیث و روایات این باب و مطالب هنری و اخلاقی لازم برای این رشته‌ها، به هر چه بهتر و با شکوه‌تر برگزار شدن مجالس عزاداری خامس آل‌عبا(ع) طبق شرع کمک کنند. خود، عاشورا را بشناسند تا بتوانند به دیگران آن را بهتر معرفی کنند. حاج میرزا حسین نوری(ره) (م ۱۳۲۰هـ ق) بیش از یک قرن پیش با دلی سوخته وارد عرصه این جهاد بزرگ علمی شد و به مبارزه با نقل اکاذیب و مطالب بی‌پایه و اساس و غلوآلود پرداخت و بی‌اعتباری کتبی همچون اسرار الشهادة و مفتاح الجنان را به اثبات رسانید و وظیفه روضه‌خوانان را این دانست که نه تنها مستند نقل خود را بگویند بلکه نباید به مجرد دیدن خبری و حکایتی در یک کتاب به آن قناعت کنند. او با بیان پاره‌ای از نمونه‌های دروغ از مصیبت‌ها و قصه‌ها نوشت: «الحق جای گریستن است اما نه بر این مصیبت بی‌اصل، بلکه در گفتن چنین دروغ واضح و افترا بر امام(ع) در بالای منبر و نهی نکردن آنان که متمکنند از نهی کردن.» حاج نوری از کذب خبرهای مبالغه‌آمیزی همچون ششصد هزار سوار و پانصد هزار پیاده اعلام کردن لشکر دشمن و تعداد مقتولین به دست سیدالشهدا(ع) را سیصد هزار و به دست ابی‌الفضل(ع) را بیست و پنج هزار شمردن و روز عاشورا را هفتاد ساعت دانستن، پرده برداشت و به روضه‌خوانانی که بنای درستکاری دارند، توصیه کرد: از اساتید اهل فن جويا شوند و به اغوای شیطان، رسم تازه گویی نگذارند و از هر کتابی هر چند جنگُ المزخرفات، نقل نکنند.

سست کردن پایه‌های اجتماعی مذهب و دین

یکی دیگر از «نباسته‌های رفتاری» در مراسم عزاداری، پرداختن به کارهایی است که پایه‌های اجتماعی مذهب را سست و تضعیف می‌کند و آموزه‌های دینی را در چشمان دوست و دشمن موهون و لرزان جلوه می‌دهد. یکی از مرزهای فقهی سوگواری برای سالار شهیدان(ع) همین است که موجب وهن مذهب نشود. رفتارهای موهون ممکن است، با صرف نظر از وهن‌انگیز بودن، خود، فی نفسه، نیز حرام باشند و ممکن است خودشان، بدون توجه به وهن‌انگیزی آنها، مباح و روا باشند. در هر حال وقتی شیوه سوگواری و مطالب ارائه شده توسط گویندگان و مضامین القاء شده توسط مرثیه‌خوانان، به گونه‌ای بود که موجب تحقیر دین و مذهب شد و آموزه‌های دینی را غیرعقلانی و بی‌پایه و اساس معرفی کرد، باید با حساسیت کامل از این امور اجتناب کرد. به قول حاجی نوری وقتی سخنران هر قصه و مطلب دروغ و راستی را با هم آمیخت و هر خبر بی‌پایه و اساس را بدون مراجعه به اسناد معتبر نقل کرد یا از خود بافت، علاوه بر گناه و حرامی که مرتکب شده سبب وهن مذهب و افتضاح ملت گردیده است، گسترش این منکر بزرگ بدانجا می‌انجامد که در کتب خود بنویسند: شیعه بیت کذب است. به گفته شهید قاضی طباطبایی؛ یکی از مضرات این کار، هر چند از روی محبت نسبت به سیدالشهدا باشد، آن است که دشمنان تشیع به خصوص وهابی‌مسلك‌ها، اصل تاریخ کربلا را به آن دروغها ضمیمه کرده و اساس صحیح را قیاس به آن ناصحیحها کرده و انکار می‌کنند، چنانچه ابن تیمیه حرانی حنبلی، با کمال بی‌حیایی اصل تاریخ و حادثه کربلا را انکار کرده و ادعا کرده سر مبارک سیدالشهدا(ع) را به شام نبرده‌اند و از خاندان آن حضرت کسی را اسیر نکرده‌اند. اگر مصلحانی چون حاجی نوری، یک‌صد سال پیش به موضوع وهن مذهب توجه کردند و همگان به ویژه عالمان را به مبارزه با برخی پدیده‌های عزاداری که موجب وهن مذهب می‌شود، دعوت نمودند، در زمان حاضر که سطح علمی و آگاهی افکار عمومی مردم، به ویژه جوانان و دانشجویان، ارتقاء یافته است و در این عصر، که عصر ارتباطات نام گرفته و فن‌آوری اطلاعات بشر را قادر کرده، در

زمانی بسیار اندک با استفاده از شیوه‌های نوین رسانه‌ای و نرم‌افزاری هر پیامی را به دورترین نقاط زمین بفرستند، در چنین زمانی، هر گاه مطلبی بی‌پایه گفته یا نوشته شود، یا رفتاری ناصحیح و نامعقول از گروهی سرزند یا شعار و رثایی غلوآلود و شرک‌آمیز سرداده و خوانده شود، فوراً این قبیل شعار، گفتار، نوشتار و رفتار به سراسر عالم مخابره می‌شود و زمینه را برای دشمنانی که مترصد ضربه زدن و ایراد اتهام بر مذهب اهل بیت (ع) و مسلمانان می‌باشند، فراهم می‌آورد و در نتیجه خسارات جبران‌ناپذیری را بر جای خواهد گذاشت که با اساس پیام عاشورا ناسازگار است. به ویژه در حال حاضر که در پی وقوع انقلاب اسلامی، فرهنگ عاشورا، توان نیرومند خویش را در صحنه بین‌المللی در مبارزه با قدرتهای شیطانی و افشای چهره واقعی استکبار جهانی به اثبات رسانیده است و آنان که منافع خود را با پیام حسین (ع) در خطر می‌بینند، آماده‌اند با هر بهانه‌ای سیل خروشان امواج تبلیغی خود را گسیل دارند و افکار عمومی جهانیان، به ویژه جوانان آرمان‌گرای مسلمان و حق‌طلب را که اکنون در بسیاری از مناطق حسّاس همچون لبنان و فلسطین به سوی اهداف حسین (ع) جلب شده است، منحرف کنند و آنان را از دنبال کردن سیره و روش حسین (ع) مأیوس گردانند. بر اساس همین هوشمندی و زمان‌شناسی است که فقیهان بزرگی همچون امام خمینی (ره) عزاداری موهن مذهب را ناروا دانسته و تحریم کردند. معمار جمهوری اسلامی با آنکه معتقد بودند عاشورا با همان سنت‌های سابق باقی باشد و دسته‌جات سینه زنی و نوحه خوانی به همان قوت خودش باشد و سینه زنی و نوحه خوانی‌ها را رمز پیروزی ملت می‌شمرد و هشدار می‌داد که قلمفرسایها، با اسامی مختلف، شما را از این مسیر منحرف نکنند. با این همه نسبت به جهات غیر شرعی عزاداری حساس بود و می‌فرمود: «ما و هیچ‌یک از دینداران نمی‌گوئیم که با این اسم هر کس، هر کاری می‌کند خوبست.» در همین ارتباط، از کارهای ناروایی که بسیاری از اوقات وهن مذهب را نیز در پی دارد و پرهیز از آن ضروری است. رقابت‌های ناسالمی است که گاهی میان دسته‌جات عزاداری و هیئت‌های مذهبی بروز می‌کند و موجب

دودستگی و پراکندگی می‌گردد، چشم و هم‌چشمی در محافل سوگواری و عاشورائیان سم مهلک و کشنده‌ای است که اهداف عزاداری را زیر سؤال می‌برد و جوانان عاشق ابی‌عبدالله (ع) را دلسرد می‌کند. میرزای نائینی (ره) فقیه بزرگ عصر مشروطیت، در پاسخ استفتائی که از اهالی بصره و اطراف آن در باره به راه انداختن دسته‌جات و مواکب عزاداری به ایشان رسیده بود، می‌نویسد: «بیرون آمدن دسته‌ها در کوچه و خیابانها، از آشکارترین مصادیق عزاداری و رسانیدن پیام حسینی به دور و نزدیک است و اشکالی ندارد.» ولی در ادامه تأکید می‌کند: «لکن اللّٰزم تنزیه هذا الشعار العظیم عما لایلیق بعبادۀ مثله من غناء او استعمال الات اللّٰه و التدافع فی التقدّم و التأخّر بین اهل محلّتین و نحو ذلك و لو اتفق شیء من ذلك فذلك الحرام الواقع فی البین هو المحرم و لا تسری حرمته الی مواکب العزاء؛ لیکن لازم است، این شعار بزرگ از هر کار ناپسند که شایسته برای چنین عبادتی نیست، پاک باشد. از خوانندگی حرام و به کارگیری ابزار لهو و رقابت دسته‌جات در جلو و عقب افتادن از یکدیگر و نزاع بین دو محلّه و مانند آن باید پرهیز شود، اگر این قبیل اتفاقات و کارهای ناپسندی رخ دهد، حرام است، هر چند حرام بودن آن به حرکت دسته برای عزاداری سرایت نمی‌کند.» این پاسخ که در ۵ ربیع الاول ۱۳۴۵ هـ ق تحریر شده، توسط ده نفر از فقهاء بزرگ همچون حضرات آیات حکیم، خویی و کاشف الغطاء نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

تحریر لفظی و معنوی عاشورا

اشاره

از سر فصل‌های مهم نبایدهای عاشورا که در بحث آسیب‌شناسی، مهمترین بخش را تشکیل می‌دهد و به ابعاد مختلف فکری و نظری و اعتقادی عاشورا مربوط می‌شود شناخت تحریفات عاشورا و اطلاع‌رسانی نسبت به آن است. اهمیت این بخش از آن رو

است که به اندیشه عاشورا و ابعاد سازنده آن پیوند می‌خورد و تأثیری ژرف در سرنوشت حال و آینده جامعه دارد. شخصیت فرهیخته و زمان‌شناسی که با دقت بر روی واژه «تحریف» بر این آسیب انگشت نهاد و ابعاد آن را تشخیص داد و معرفی کرد، شهید آیت‌الله مطهری (ره) است. از نگاه وی که به پیشسازی حاجی نوری در این موضوع تأکید دارد، اگر کاری کنند که یک جمله یا نامه یا شعر مثلاً، آن مقصودی را که باید بفهماند، نفهماند و مقصود دیگری را بفهماند، این تحریف است. البته تحریف همچنان که در یک سخن عادی ممکن است رخ دهد، می‌تواند در یک موضوع بزرگ اجتماعی رخنه کند، تحریف هر چند، نباید بشود و محکوم است ولی اگر در سخن عادی باشد، خطرناک نیست، چون به حیات و سعادت اجتماع ضربه نمی‌زند و در مسیر اجتماعی انحراف ایجاد نمی‌کند. ولی اگر یک موضوع اجتماعی بزرگ تحریف شود، مثلاً تحریف کردن شخصیتها، آنان که قولشان، عمل و خُلقشان برای مردم نمونه و حجت است، خیلی خطرناک است. حادثه کربلا، حادثه‌ای بزرگ است که در تربیت و خُلق و خوی ما اثر جدی دارد. حادثه‌ای که میلیون‌ها نفر و قهراً میلیون‌ها ساعت برای آن صرف می‌شود و مبالغه‌ناکی هزینه مادی آن می‌گردد، تحریف در چنین حادثه‌ای ضررهای جبران‌ناپذیر دارد. در باره عوامل تحریف، استاد مطهری (ره) از دو عامل: اغراض دشمنان و تمایل بشر به اسطوره سازی به عنوان عوامل عمومی تحریف تاریخ که اختصاص به حادثه عاشورا ندارد، یاد می‌کند، پس از آن عامل سومی به عنوان عامل خاص که تنها مربوط به حادثه کربلاست یاد می‌کند، عاملی که موجب گشت استفاده از هر وسیله و ابزار هر چند نامقدس تجویز شود. برای رسیدن به هدفی مقدس عده‌ای گفتند: گریستن بر امام حسین (ع) هدفی مقدس و منزّه است و برای رسیدن و انجام دادن آن، هر کاری مجاز و رواست، در نتیجه افرادی در این قضیه دست به جعل و تحریف زدند. سرفصل مهم دیگر در سخن شهید مطهری (ره) در ارتباط با تحریف عاشورا، بحث انواع تحریف است. او تحریف را به دو گونه لفظی و معنوی تقسیم می‌کند. تحریف لفظی، عوض کردن

ظاهر یک چیز است، تصرف در ظاهر گفتار و سخن دیگران و کم و زیاد کردن آن، تحریف لفظی است. تمامی قصه‌ها و حکایات بی پایه و اساس که در باره حادثه کربلا گفته شده و در نقل‌های تاریخی غیر معتبر انعکاس یافته و در کتاب لؤلؤ و مرجان حاج میرزا حسین نوری (ره) به آن اشاره شده، از مصادیق تحریف لفظی عاشورا شمرده می‌شود. اما تحریف معنوی که صد بار خطرناک‌تر از تحریف لفظی است آن است که مثلاً یک جمله، بدون کم و زیاد کردن الفاظ آن، به گونه‌ای تفسیر و توجیه شود که درست بر خلاف و ضد معنای واقعی آن باشد. نمونه این تحریف را نسبت به روایت پیامبر اسلام (ص) «یا عمار تقتلک الفئه الباغیه؛ ای عمار گروهی باغی و سرکش تو را می‌کشند»، شاهدیم. در جنگ صفین وقتی عمار به دست لشکر معاویه به قتل رسید، یک مرتبه فریاد از همه جا بلند شد که معاویه و یارانش باطل و سرکش‌اند، چون قاتل عمار می‌باشند. اینجا بود که معاویه دست به تحریف معنوی روایت زد و اعلام کرد: ما کشته عمار نیستیم، عمار را علی (ع) کشت که او را به صفین آورد و موجب کشتنش را فراهم کرد. تحریف معنوی یک حادثه تاریخی به این است که علل و انگیزه‌ها یا اهداف آن به گونه‌ای بیان و تفسیر شود که بر خلاف اصل آن باشد.

تحریف‌های معنوی حادثه عاشورا

حماسه کربلا، از یک سو علل و عواملی دارد و از سوی دیگر اهداف و اغراض عالی، که این علل و اهداف گرفتار تحریف، گردیده‌اند، عده‌ای عالمانه یا جاهلانه، عامدانه یا غافلانه، نهضت حسینی را به گونه‌ای تفسیر کرده‌اند که یا علل و عوامل پیدایش این رخداد را دستخوش تغییر می‌کند و آن را دگرگونه جلوه می‌دهد یا اهداف آن را به گونه‌ای معرفی می‌کند که با اهداف واقعی آن و متون تاریخی مستند و پژوهش‌های عمیق علمی ناسازگار است. آنچه در پی می‌آید، گزارش گونه‌ای از این تحریفات است.

عاشورا، کفارہ گناهان مردم

از جمله تحریفات معنوی که هدف اصلی قیام ابا عبدالله (ع) را وارونه جلوه می دهد، پنداری است که بسیاری از افراد قشری و شاید مقدس دارند و می گویند: امام حسین (ع) برای بخشش گناهان شیعیان خود کشته شد. اینان با تشبُّث به روایاتی که فضیلت گریستن بر سیدالشهدا (ع) را بر می شمرد و تشویق و ترغیب به عزاداری می کند و پاداش آن را آمرزش گناهان و ورود به بهشت برین می داند، تمامی اهداف حسینی را به یکباره فراموش می کنند و نوعی اباحه گری و روایی گناه را ترویج می کنند. شبیه آنچه در اندیشه مسیحیت راه یافته است که مسیح (ع) را فادی لقب می دهند و به دار آویخته شدن او را، کفارہ معاصی امت او می پندارند. خطر این تحریف آن است که نه تنها قیام حسینی، کالبدی می شود، بی روح و بی خاصیت، بلکه وسیله و ابزاری می گردد، در دست کسانی که صد درصد در برابر اهداف حسینی قرار گرفته اند. این تحریف هدف امام حسین را دقیقاً وارونه و بر عکس می کند. اگر هدف از حماسه کربلا، اطاعت الله و عصیان شیطان و اقامه ارزشهای دینی بود، در این تفسیر، کاملاً، این اهداف منسوخ می شود و جای آن را صرف گریستن و اقامه محافل عزاداری، بدون ذکر معارف دینی و احکام شرعی، می گیرد. در این تحریف، عاشورا، می تواند ابزاری گردد در دستان افرادی که از نظر شخصیت و چهره واقعی، تفاوتی با امویان و قتل امام حسین (ع) ندارند، کسانی که اگر در محرم ۶۱ هجری بودند، چه بسا در لشکر عمر سعد قرار می گرفتند. در برابر این تحریف وظیفه عالمان آگاه و متعهد آن است که با مستند سازی دقیق و استفاده از کلمات امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) و سیره و رفتار ایشان و اصحاب و یاران ایشان، بی اساسی این تحریف برداشت گونه را برای عموم مردم آشکار گردانند.

عاشورا، تکلیف خصوصی امام حسین

تحریف دیگری که چه بسا در قالب برداشتی علمی از حماسه خونبار کربلا، ممکن است جلوه کند، به علل و عوامل رخداد نینوا می‌پردازد و آن را وظیفه شرعی و تکلیف خصوصی سیدالشهدا(ع) معرفی می‌کند. طبق این برداشت مقتضای روایات آن است که حادثه کربلا را، قضیه‌ای بدانیم که از ابتدای خلقت رقم خورده بوده و این تکلیف امام حسین(ع) بود که بر اساس همان فرمان ازلی الهی عمل و خود را قربانی و فدا کند. در این رابطه، سخن آن حضرت خطاب به ابن عباس و ابن زبیر: «ان رسول الله(ص) قد امرنی بامر و انا ماض فیه؛ پیامبر(ص) مرا مأمور به فرمانی کرده که به دنبال آن می‌باشم» و سخن ایشان به محمد حنفیه «اتانی رسول الله(ص) بعد ما فارقتک فقال: یا حسین اخرج فان الله قد شاء ان یراک قتیلاً؛ پیامبر(ص) را مشاهده کردم که به من فرمان خروج داد، چون خداوند می‌خواهد مرا کشته ببینید»، می‌تواند مستند این برداشت قرار گیرد. همچنین روایات فراوانی که نشان می‌دهد، پیامبران و اولیای الهی همچون: نوح، ابراهیم، ذکریا، عیسی، یوشع بن نون و پیامبر خاتم(ص) از وقوع قتل امام حسین(ع) توسط جبرئیل خبر داشته و به دیگران نیز اطلاع داده بوده‌اند گویا حادثه کربلا، حادثه‌ای خاص و مخصوص فرزند رسول خاتم(ص) بوده که از ازل رقم خورده است و امام حسین(ع) چاره‌ای جز انجام دادن آن را نداشته است. این برداشت به ظاهر علمی و مستند، تحریفی ماهرانه است که به قول شهید مطهری(ره)، حادثه کربلا را از نظر اثر مفید داشتن عقیم می‌کند. وقتی گفته شد دستور خصوصی، این حادثه از مکتب بودن و قابل پیروی بودن، بیرون رانده شده و نشان داده شده در برابر ظلم و ستم و فساد و تباهی، اسلام دستور عمومی ندارد، تنها تکلیف خصوصی امام حسین(ع) بوده است که در برابر این ناهنجاری‌ها بایستد و جان فدا کند. خطر این تحریف خطرناک آن است که قیام حسین(ع) را از اسوه بودن می‌اندازد و نیروی حرکت و الگوی قیام را از ملل عالم که می‌خواهند از یوغ استبداد و ظلم و استکبار و جهالت‌رهای یابند و به حق و عدالت و پاکی روی آورند، می‌گیرد. منقولات تاریخی و روایات مستند این برداشت، که فرمان پیامبر(ص) را به

امام حسین (ع) منعکس می کند و از مطلع بودن اولیای بزرگ الهی از جریان کربلا خبر می دهد منافات با این حقیقت ندارد که سیدالشهدا (ع) به عنوان امام معصوم؛ که سیره و روش او سنت است و حجّت و قابل تمسک، پیروان و عاشقان او نیز، همچون خود او موظفند در برابر بی عدالتی و اسلام زدایی امویان هر زمان، بایستند و از حریم دین الهی و حقوق انسانی دفاع کنند. امام خمینی (ره) در همین زمینه می فرماید: «حضرت سیدالشهدا، سلام الله علیه، به همه آموخت که در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد.» و می فرماید: «عمل امام حسین، سلام الله علیه، دستور است برای همه، «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا.»

عاشورا و تحریف های نو

نکته درخور اهمیت، در بحث آسیب شناسی وقایع و فرهنگ ها، آن است که با گذشت زمان و سپری شدن شرایط فرهنگی و سیاسی جامعه، تحریف ها نیز دگرگون شده و رنگ عوض می کند چنین نیست که تحریفی تا ابد بماند، تحریف پرده و پوششی است که با آشکار شدن حقیقت، رخ در نقاب کشیده و همچون کف روی آب، نابود و مضمحل می گردد. «كذلك يضرب الله الحقّ و الباطل، فاما الزبد فيذهب جفاءً و اما ما ينفع الناس فيمكث في الارض...» (رعد/۱۷). اما رفتن و اضمحلال مصداقی از مصداق تحریف، بدان معنا نیست که خطر تحریف به کلی از میان رفته باشد، بلکه عمر گونه ای از تحریف به سر می آید و گونه ای دیگر که چه بسا پیچیده تر است، قارچ گونه سر از زمین بر می آورد و مانع نورافشانی حقیقت یک واقعه یا مکتب می شود. با این مقدمه، در بررسی تحریف های معنوی عاشورا، باید اذعان کرد، دو تحریف پیش گفته، تحریف هایی بود که در دهه های گذشته و پیش از انقلاب اسلامی، جولانگاه زیادی داشتند و با طلوع خورشید انقلاب و روشنگری حقایق توسط رهبر کبیر انقلاب و فرزانش چون شهید مطهری، تا حدودی، زوایای پنهان آن تحریف و آسیب ها پدیدار گشت، هر چند خطر آنها را

نمی‌توان صددرصد منتفی شمرد و امکان بروز آنها با شیوه‌ها و قرائت‌هایی نوین وجود دارد. ولی در این سالهای اخیر، در گوشه و کنار، از گفتار و نوشتار پاره‌ای محافل و نشریات، زمزمه‌هایی به گوش می‌رسد که از تکوین نطفه‌هایی نو از تحریفات جدید خبر می‌دهد. امروزه با ادبیاتی متفاوت و گویش‌هایی نوین، مطالبی پیرامون فرهنگ عاشورا بیان می‌شود که می‌تواند نشانگر برخی بیماری‌ها باشد. پیش از این در مقاله «پیوند دین و سیاست در گفتمان عاشورا»، گوشه‌هایی از این آسیب‌ها که در قالب برداشت جدید از فرهنگ عاشورا و تغییر برداشت سیاسی از آن، ارائه می‌شد، بررسی شد. در اینجا به طور فشرده و گذرا، به نشانه‌هایی دیگر که عمدتاً بر محور تضعیف پایگاه اجتماعی فرهنگ عاشورا و ابعاد سازنده آن متمرکز است و در مقام تقدس‌زدایی از عاشورا و خشونت‌زا معرفی کردن فرهنگ آن می‌باشد، می‌توان اشاره نمود و تجزیه و تحلیل عمیق آن را به فرصتی دیگر واگذار کرد. اینکه اخیراً برخی افراد، عزاداری امام حسین (ع) را ادامه آیین سوگ سیاوش بر اساس اساطیر ایران باستان می‌شمرند که مردم تا پیش از دوره صفویه برای نه گفتن به حکومت، به آن می‌پرداختند و با از بین رفتن آیین سیاوش و جایگزینی عزاداری امام حسین (ع) این آیین‌ها در خدمت حکومت قرار گرفت، اینکه میان امام حسین (ع) با تراژدی‌های افسانه‌ای همچون آنتیگونه، تامس موروجان پروکتور مقایسه می‌شود و با این مقایسه، تراژیک بودن عاشورا القاء می‌گردد، اینکه می‌گویند: «امروزه دیگر از دشمنان و کشندگان امام حسین (ع) خبری نیست و هنوز هم از داستان حسین استفاده کردن و عنصر انتقام، عنصر کینه‌توزی و عنصر خشونت و خونریزی را زنده نگه داشتن و از طریق تحریک عواطف، دشمنان موهوم و غیر موهوم تراشیدن و این حادثه را خرج آن امور کردن، شایسته نیست.» اینکه القاء می‌شود «پیامبر (ص) در بدر و حنین شمشیر زد و کربلا پیامدهای همان جنگ‌ها بود و خشونت فرزند خشونت است و درخت خشونت میوه‌هایی جز خشونت به بار نمی‌آورد» اینکه؛ فرهنگ شهادت خشونت آفرین شمرده می‌شود، اینکه پیشنهاد تغییر زیارتنامه امام حسین (ع) و جایگزینی

«آزادی» به جای «اشهد انک قد اقامت الصلوٰه و اتیت الزکوٰه و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر» داده می‌شود، اینکه، برای قرن‌ها بزرگداشت قیام عاشورا، حاصلی جز تأثر و حزن ارزیابی نمی‌شود، و مواردی از این قبیل، نشانه‌هایی از این واقعیت است که جامعیت و تقدس فرهنگ عاشورا، در قالب مطالبی به ظاهر زیبا و فریبا، با آسیب‌هایی جدید و پیچیده مواجه است و مواجهه و دفع این آسیب‌ها، نیازمند تبیین مکتب عاشورا با ژرف‌اندیشی و نکته‌سنجی همه‌جانبه است. نتیجه‌القائاتی نظیر القائنات بالا، بی‌خاصیت کردن فرهنگ عاشورا و ربودن این مکتب سازنده از دست ملتهای ستم‌دیده است. آیا به راستی عاشورا جنبه‌های اساطیری و افسانه‌ای دارد که با اسطوره افسانه سیاوش و غیره مقایسه شود؟ در حالی که از شگفتی‌های حماسه کربلا آن است که تمامی خصوصیات و ویژگی‌های آن حادثه، با ذکر جزئی‌ترین مسائل، در سینه تاریخ مضبوط است و متون تاریخی و روایی مستند، به طور دقیق، این واقعیت را گزارش می‌کنند، البته ممکن است در برخی نوشته‌جات غیر معتبر مطالبی مبالغه‌آمیز و اغراقی مطرح شده باشد که جنبه اسطوره‌ای داشته باشد ولی این دلیل نمی‌شود که این سند مقدس و این حادثه مستند معتبر را اسطوره بخوانیم یا با افسانه‌ها مقایسه کنیم. به قول شهید مطهری، ما وظیفه داریم آن را از چنگ افسانه‌سازها بیرون آوریم. نه اینکه به این تحریف دامن بزنیم. آیین عزاداری سید مظلومان (ع) چنانچه در صفحات پیشین گذشت، چه ربطی به آیین سوگ سیاوش دارد؟ در حالی که این آیین از زمان ائمه اطهار (ع) و از همان روز عاشورا، معماری شد، برای آنکه عاشورا، به عنوان یک مکتب زنده بماند و خون ثارالله در کالبد جوامع به جریان افتد و به آنها حیات طیبه و زندگی شرافتمندانه هدیه کند. عاشورا، توسط ولی مطلق الهی و عبد صالح و انسان کامل و معصومی چون سیدالشهداء (ع) و نه یک موجود اساطیری آفریده شد، برای آنکه شاخص حرکت تعالی بشر باشد و با انگشت اشاره‌اش، سمت و سوی زندگی را نشان دهد. عاشورا، دو چهره دارد، همچنان که در آن رحمت، رأفت و عشق به همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها موج می‌زند، چهره دیگر آن زشتی و

شیطنت و فساد و تباهی است و انسان عاشورایی همچنان که درود و سلام و عاطفه خود را نثار چهره رأفت و رحمت آن می کند، نمی تواند از لعن و نفرین نسبت به قاتلان و کشتندگان امام حسین (ع) که چهره دیگر کربلا را ترسیم کردند غافل باشد. شیعه تولی و تبری را یک جا دارد و از هیچ یک از این دو، به بهانه دیگری غافل نمی شود. امروزه هر چند کشتندگان امام حسین (ع) جز نام ننگ، چیزی برای خود باقی نگذاشته اند، ولی نمی توان منکر ادامه حیات اندیشه و خط و فکر امویان بود و تا زمانی که این فکر و اندیشه زنده است، ذکر و یاد سیدالشهدا (ع) و لعن و نفرین بر قاتلان او تداوم می یابد، از این رو است که در دعای ندبه می خوانیم: «این الطالب بدم المقتول بکربلا». اسلام، هم جاذبه، هم دافعه دارد، نمی توان با نام مبارزه با خشونت و رواج تساهل و تسامح و آموزه های پلورالیستی، منکر حق و باطل شد و این دو صف را از یکدیگر متمایز ساخت. اسلام بدون برائت از کفر و الحاد و نفاق و لعن و نفرین بر شیطان و طاغوت و ظالم و مستکبر، اسلام نیست. تولی و تبری و خودی و غیر خودی از مباحث عمیق قرآنی است: «لا تجد قوماً يؤمنون بالله و الیوم الآخر یوادون من حادّ الله و رسوله و لو کانوا اباؤهم او ابناءهم او اخوانهم او عشیرتهم... اولئک حزب الله؛ (مجادله/۲۲) نمی یابی مؤمنان به خدا و قیامت را که دوستان کسانی باشند که مخالفت با خدا و رسول او می کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندان آنان باشند. اینها حزب خدایند.» از این رو است که بر طبق روایات اهل بیت (ع) همچنان که سلام بر امام حسین (ع) عبادت است و فضیلت فراوانی دارد، لعن و نفرین بر قاتلان او نیز عبادت است و ثواب زیادی دارد. امام رضا (ع) به ریّان بن شیب فرمود: «یابن شیب ان سرک ان تسکن الغرف المبنیة فی الجنة مع النبی و اله فالعن قتله الحسین (ع)؛ ای فرزند شیب، اگر خشود می شوی که در غرفه های بهشتی، در جوار پیامبر و آل او سکنی گزینی، قاتلان امام حسین (ع) را نفرین کن.» لذا کمتر زیارتی از زیارات امام حسین (ع) را می توان سراغ گرفت که در کنار سلام بر او و یارانش، لعن بر قاتلان آنها ذکر نشده باشد، با وجود آنکه این زیارات از امامان

معصوم (ع) و اهل بیت (ع) و در متون معتبر نقل شده و بسیاری از آنها از جهت سند نیز به هیچ وجه قابل خدشه نمی باشد.

بایسته های فرهنگ عاشورا

توجه و حرکت به سمت و سوی اهداف عالی مکتب عاشورا و آموزه های آن و غافل نشدن از علل و انگیزه های قیام سالار شهیدان (ع)، از جمله موضوعاتی است که در حیطه مباحث آسیب شناسی فرهنگ عاشورا مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. اینکه آیا محافل سوگواری و مراسم عزاداری کنونی تا چه اندازه در مسیر آن اهداف قرار دارند و از این بعد از چه ضعفها و کاستی هایی رنج می برند که نیازمند ترمیم است، پرسشی است که پاسخ آن نیازمند تأمل جدی است. اهداف عاشورا را باید ترسیم و تعیین کرد، آنگاه آیین نکوداشت کنونی را با آن سنجید و حدود انطباق با آن اهداف را به دست آورد. علل و انگیزه های حماسه کربلا را می توان در سه محور عمده طبقه بندی کرد: ۱. احیای ارزشهای انسانی و اخلاقی ۲. احیای ارزشهای دینی و اسلامی ۳. احیای ارزشهای عرفانی و معنوی. بررسی و تحلیل فشرده این سه محور را پی می گیریم تا میزان انطباق آنچه در مراسم عزاداری اکنون هست با آنچه باید باشد مشخص گردد.

احیای ارزشهای انسانی - اخلاقی

منظور از ارزشهای انسانی - اخلاقی، گروهی از خصلت ها و محاسن اخلاقی است که به حکم عقل عملی هر انسانی ملزم به رعایت آنهاست. هر انسانی با صرف نظر از عقیده و مذهب و اندیشه باید نسبت به آنها حساس باشد. خصلت هایی که تمامی انسانها، در هر سرزمین زیست کنند و در هر زمانی به سربرند، آن را بزرگ می شمارند و زبان به مدح و ثنای کسانی که آنها را مراعات می کنند و برای احیاء و توسعه آنها می کوشند، گشوده و آنان را که چنین ارزشهایی را له می کنند، مورد نکوهش و شماتت قرار می دهند.

عدالت طلبی، حریت و آزادگی، حق جویی، عزت خواهی و ذلت گریزی، از جمله این خصلت هاست که همه انسانها بدان ارج می نهند. به گواهی مستندات تاریخی و روایی، از جمله علل و انگیزه های شکل گیری نهضت عاشورا، احیای همین ارزشها بود و از این رو، هر انسان منصفی، هر چند غیر شیعه و غیر مسلمان، در برابر عظمت حماسه خونین طفّ سر تعظیم فرود می آورد و بر آفرینندگان آن آفرین می گوید. در عاشورا، ارزشهای انسانی موج می زند و هر قطعه ای از آن، گواه عظمت روحی و شخصیت عظیم پدید آورندگان آن است. عاشورا ملاک و معیار انسانیت را آشکار می کند و مرز میان آدمیت و سبّیت را توضیح می دهد. «یا شیعه آل ابوسفیان، ان لم یکن لکم دین و کنتم لا تخافون المعاد فکونوا احراراً فی دنیاکم؛ ای پیروان آل ابوسفیان، اگر دین ندارید و از قیامت هراسی به دل راه نمی دهید، در دنیای خود آزاده باشید.» شعار سیدالشهدا (ع) در روز عاشورا این است: «و العار اولی من دخول النار؛ الموت اولی من رکوب العارمرگ سزاوارتر از پذیرش ننگ است و ننگ سزاوارتر از ورود در آتش.» امام حسین (ع) در آن لحظات حساس و جانسوز، خطاب به لشکر دشمن می فرماید: «الا و ان الدعی ابن الدعی قد رکز بین اثنتین بین السله و الذلّه و هیهات منا الذلّه.» اینها شعارهای بزرگی است که تا ابدیت می تواند، شعار و پرچم حرکت هر جامعه ای باشد. در سخن دیگر امام فرمود: «موت فی عزّ خیر من حیاة فی ذلّ.» و با این وسیله عزت و ذلت، را ملاک انتخاب حیات و موت اعلام کرد. امام حسین (ع) در بیان شرایط حاکمیت سیاسی و رهبری جامعه، «القائم بالقسط» قیام به قسط و عدالت خواهی را مطرح کرد. لذا در زیارت اول ماه رجب، در برابر مضجع شریف، آن بزرگوار که قرار می گیری، گواهی می دهی: «اشهد انک قد امرت بالقسط و العدل و دعوت الیهما؛ شهادت می دهم که تو به دادگری و عدالت فرمان دادی و دعوت کردی.» این است که می توان گفت: اساس عاشورا بر عدالت و حریت و احیای شخصیت انسانی استوار است و فرهنگ عاشورا، برای پاسداری و انتقال این پیام به نسلهای آتی است. به گفته شهید مطهری (ره): «کلید شخصیت امام حسین (ع)

حماسه، شور، عظمت، صلابت و ایستادگی است. این رمز شخصیت باید در شعارهای عزاداری متبلور باشد، تا در درون جامعه، احساس شخصیت و بزرگواری تزریق گردد. امروزه با توجه به بحران رسانه‌ای و جنگ نرم‌افزاری، یکی از مهمترین چالش‌های اجتماعی را مسأله هویت تشکیل می‌دهد و حل آن در گرو احیای واقعی شعارهای عاشورا است. هیئت‌های عزاداری، در کنار مرثیه و احساس حزن و اندوه، باید بزرگی شخصیت امام حسین (ع) را به یاد آورند و با آموختن این درس از عاشورا، احساس شخصیت و خودباوری را در خود روز افزون گردانند. بزرگترین سرمایه یک جامعه آن است که در خود، احساس شخصیت و منش کند. نسبت به اجتماعهای دیگر، حس استغنا و بی‌نیازی داشته باشد. اگر ملتی همه چیز داشته باشد ولی شخصیت خود را ببازد، هیچ نخواهد داشت و خواه ناخواه در ملتهای دیگر جذب خواهد شد. این خودباختگی است که به قول مرحوم مطهری در جامعه ما وجود دارد. عیب بزرگ جامعه ایرانی آن است که به حماسه‌ها، و ارکان شخصیت خود پایبند نیستیم و با یک حرف پوچ زود آن را از دست می‌دهیم و در مقابل عادات، رسوم، فرهنگ، لباس، زبان و خط دیگران تسلیم می‌شویم. فرهنگ عاشورا، باید هویت بخش جامعه باشد، رثاء و مرثیه باید به شکلی باشد که حس قهرمانی را در جوانان این مرز و بوم احیا کند. در این صورت است که جامعه می‌تواند به راحتی بحران هویت را پشت سر گذارد.

احیای ارزشهای دینی - اسلامی

از دیگر علل و انگیزه‌های حماسه خونین کربلا که در سیره حسینی موج می‌زند، احیای سنتهای دینی است که در عصر امویان، به ویژه یزید بن معاویه به تاراج رفته بود. یزید فردی فاسق، شارب الخمر، قاتل انسانها و معلن به فسق بود و شخصیتی چون سیدالشهدا (ع) که پرورده دامن‌های پاک و پرورش یافته بیت رسالت و توحید بود، نمی‌توانست با او سازش کند: «و مثلی لا یبایع مثله». هدف قیام و دعوت امام حسین (ع)

بازگشت به اسلام زمان امیرمؤمنان(ع) و احیای سیره و روش حکومت پیامبر اکرم(ص) بود: «و انا ادعوکم الی کتاب الله و سنّه نبیّه(ص) فان السنّه قد امیتت و ان البدعه قد احييت». عدالت طلبی و آزادی خواهی آن حضرت نیز که در بخش پیش با عنوان احیای ارزشهای انسانی - اخلاقی از آن یاد شد، در پرتو احیای ارزشهای دینی و اسلامی متجلی می شود، در واقع ارزشهای انسانی و اخلاقی، در دامن آموزه های دینی و معارف کتاب و احکام سنت است که به شکل صحیح و مطلوب در مسیر سعادت انسانی رشد می کنند و بارور می شوند. این کتاب و سنت است که محدوده و مصداق های قسط و عدل و آزادی و حریت را تعیین می کنند و عدالت و حریت واقعی را آموزش می دهند. لذا در سخنان حضرت اباعبدالله(ع)، ارزشهای انسانی در کنار آموزه های دین مطرح می شود. در نامه ای به برادر خود محمد حنفیه تأکید دارد: «من از روی تکبر و خودخواهی و برای افساد و ستم خروج نکردم؛ قیام من برای امر به معروف و نهی از منکر است، من به عنوان یک مصلح در امت جدّم قیام کردم، قصدم آن است که سیره رسول خدا(ص) و علی مرتضی(ع) را احیاء کنم.» امام(ع) بر این باور بود: «در شرایطی که به حق عمل نمی شود و کسی از باطل رویگردان نیست، مؤمن باید لقاء پروردگارش را بر چنین زندگی ای ترجیح دهد.» و در روز عاشورا عملاً این باید و ضرورت را به همگان نشان داد. از این رو، در زیارت مخصوص اربعین، گفته می شود: «فَاعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ النَّصِيحَ وَ بَدَلَ مَهْجَتَهُ فَيَكُ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ؛ پروردگارا گواهی می دهم؛ (اباعبدالله(ع)) در دعوت خویش جایی برای عذر و بهانه باقی نگذاشت. و از خیرخواهی دریغ نکرد. جان خود را در راه تو هدیه کرد تا آنکه بندگان از نادانی و سرگردانی گمراهی رهایی یابند.» فرهنگ عاشورا و زنده نگاه داشتن مکتب خونین حسین(ع) برای احیای همین اهداف است. در زیارت و سوگواری، در مرثیه و روضه، عاشقان سیدالشهداء(ع) باید با این آرمانهای بلند آشنا بشوند و هر ساله تجدید بیعت کنند. سرّ آنکه این اهداف در زیارتنامه های آن حضرت که از زبان اولیای معصوم الهی(ع) نقل

گردیده است، تکرار می‌شود، یادآوری و تأکید پیروان بر این خط سیر و این شاخصها است. در زیارتنامه‌ای که جابر جعفی، از امام صادق (ع) روایت می‌کند، چنین نقل شده است: «اشهد انک قد اقامت الصلوٰه و آتیت الزکوٰه و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و جاهدت الملحدين و عبدت الله حتی اتیک الیقین.» جملاتی با مضامین بالا که همگی تأکید بر جنبه‌های احیای احکام و فرایض اسلامی در سایه قیام حسین (ع) دارند، در بسیاری از زیارتنامه‌های مستند و معتبر، وجود دارد و نشانگر اهمیت توجه به این ابعاد در قیام کربلا است. حال اگر قرائت کننده زیارت، تنها الفاظ را زمزمه کند ولی از این مفاهیم عاری باشد، همچون کالبد بی‌روحی می‌شود که نمی‌توان از او حرکت و تلاشی را انتظار داشت، هر رفتار و کاری که به نام سیدالشهداء (ع) زینت می‌یابد و در مسیر گرامی داشت عزیزان خونین کربلاست، باید، در کنار گریه و مرثیه و روضه، این اهداف حسین (ع) را آموزش دهد، مردم به خصوص جوانان را با آموزه‌های کتاب و سنت آشنا کند. مجالس مذهبی سوگواری باید دانشگاهی باشد که پیام وحی را به شکلی بلیغ و رسا در اختیار عموم قرار دهد. چگونه می‌توان جامعه‌ای را که بیگانه با مفاهیم دینی است، و فرایض دین همچون نماز، زکات، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، حجاب، حیا و پاکدامنی، انفاق و دستگیری از فقراء در آن کم رنگ است، جامعه‌ای پیرو امام حسین (ع) نامید؟ در حالی که حسین بن علی (ع) برای اقامه این فرائض و عینیت اجتماعی آنها، جان خود را تقدیم کرد و با اهداء خون خود و عزیزانش و اسارت اهل بیتش و گرفتار شدن به اعظم مصیبات، نشان داد که آنچه از جان شخصیتی معصوم و ولی‌الله، مهمتر است، اساس اسلام و ارکان آن است. محافل سوگ و انس شیعیان نیز در مسیر این اهداف باید قرار گیرد تا تمامی عزاداران بر این نکته واقف شوند که عزاداری و گریه و اشک جنبه مقدمیت دارد و سرپلی است برای تحقق عملی اسلام در ارکان نظام اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و در نظام شخصی و خانوادگی تمامی مردم، این فلسفه اساسی نهضت عاشورا است. جامعه تبعیض‌آلود، جامعه فاسد، جامعه‌ای که در آن مردم به دو گروه فقیر و غنی

تقسیم می‌شوند و حق فقیران به آنان داده نمی‌شود، آیا می‌تواند خود را حسینی بنامد؟ در حالی که شعیب بن عبدالرحمان گوید: «روز عاشورا بر پشت حسین بن علی (ع) اثری مشاهده شد، از زین العابدین (ع) پرسیدند: «این نشانه چیست؟»، امام (ع) فرمود: «هذا ما كان ينتقل الجراب علی ظهره الی منازل الأرامل و الیتامی و المساکین؛ این اثر انبان‌هایی است که بر پشت حمل می‌کرد و به خانه‌های زنان بی‌شوهر و یتیمان و مسکینان می‌رسانید.»

احیای ارزشهای معنوی - عرفانی

سومین لایه از انگیزه‌ها و فلسفه قیام عاشورا که مراسم عزاداری باید با عطر آن معطر گردد و در بحث آسیب‌شناسی، توجهی جدی را می‌طلبد، هسته مرکزی و لبّ این نهضت را تشکیل می‌دهد و سنگ بنای آن شمرده می‌شود، حبّ و عشق به معبود، تقرّب الی الله، یاد و ذکر الهی اساس عاشورا است، همه چیز را فدای دوست کردن و در تماشای جمال محبوب ازل و ابد غرق شدن و خود را ندیدن. عاشورا دریای مواج عشق بازی است، در بیابان تفتیده نینوا، در میان دریای خون و برق شمشیرها و شیهه اسبان و ناله کودکان و در آن گرد و غبار آنچه بیشتر خودنمایی می‌کند، ابتهال، دعا، تلاوت قرآن، نماز و شب زنده‌داری است. عصر عاشورا، آن هنگام که لشکر عمر سعد به سمت خیام حسین (ع) حمله‌ور شد، سیدالشهدا (ع) برادر خود عباس بن علی (ع) را فرستاد تا به عمر سعد پیغام دهد، امشب را به ما مهلت دهید و جنگ را به فردا موکول کنید، باشد یک شبی دیگر را برای پروردگار خویش نماز گذاریم و دعا و استغفار کنیم. تنها خدا می‌داند که من چقدر عاشق خواندن نماز برای او، و تلاوت کتاب او، و زیادی دعا و استغفار می‌باشم. خطبه آن حضرت نیز در شب عاشورا، در میان تعدادی اندک از یاران و هزاران نفر دشمن، مملو از گوهرهای معنوی و دلربا است: «أثنی علی الله احسن الثناء و احمده علی السراء و الضراء». تا پایان نماز اول وقت آن حضرت در ظهر عاشورا و بالاخره دعای او در لحظه‌های آخر جان دادن: «اللهم متعال المکان، عظیم الجبروت، شدید المحال، غنی

عن الخلائق، عریض الکبریاء،» تا آخر که فرمود: «صبراً علی قضائک یا ربّ لا اله سواک یا غیاث المستغیثین.» که تابلویی عظیم از بزرگی روح و معرفت را به تصویر می کشد، زیبایی های جلوه گر شده در صحنه خونین کربلا است. عاشورائیان ما، باید عاشورا، را این چنین بشناسند و تلاش کنند، در حدّ توان، هر چند اندک، به این اهداف خود را نزدیک کنند. و در این میان، آنچه مهم است هدف گیری نظام سیاسی جامعه است. خلاصه سخن آن است که اگر نظام سیاسی جامعه، پیام خود را از عاشورا می گیرد و اگر مدیریت سیاسی، برگرفته از اهداف حسینی است، نمی تواند، نسبت به اهداف بالا، بی توجه باشد. امام حسین (ع) اگر موفق به تشکیل دولت می شد، قطعاً احیای ارزشهای انسانی و اسلامی و معنوی را به عنوان سه برنامه راهبردی و هدفمند تدریجی خود بر می گزید و هر حکومت که با شعارهای عاشورایی به قدرت می رسد، وظیفه اش دنبال کردن همان اهداف است.